


Rereading the Father's Position in Moral upbringing with Emphasis on Islamic Teachings

Fatemeh Naderi Parizi ¹ \ Reyhaneh Shayesteh ² \ Gholamreza Azimi Rawiz ³

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Vali Asr University (AJ), Rafsanjan, Iran.
fatemenaderi87@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Vali Asr University (AJ), Rafsanjan, Iran. (Corresponding author).
r.shayesteh@vru.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Rafsanjan University of Medical Sciences, Iran.
azimiraviz95@yahoo.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article	In discussions about the role of parents in the process of training children, the role of parents should be given fair attention and the role of the father in this process should not be limited to meeting needs and providing material and economic benefits, because religious teachings, in line with scientific and empirical studies and research, have considered the position of the father to be very important and consider the father to be responsible for the individual's life. In this study, with the aim of showing the necessity of fathers' role in moral upbringing of children and the effective components in this regard, a descriptive-analytical method was used with an emphasis on Islamic verses and narrations. The issue of whether fathers have an equal share in moral upbringing as mothers and whether moral education through fathers is necessary from an Islamic perspective is the most important issue of the leading research. The results of the study show that the necessity of moral education by fathers, in line with the educational role of mothers, has many rational and narrative reasons in Islamic teachings, and fathers can facilitate this type of education by creating an appropriate emotional relationship, providing correct role models, correct and appropriate punishment and encouragement, positive supervision and approval, and thoughtful and timely guidance and advice.
	
Received: 2024.09.24	
Accepted: 2024.11.28	
Keywords	Education, Moral upbringing, Father's Position, Islamic Teachings.
Cite this article:	Naderi Parizi, Fatemeh, Reyhaneh Shayesteh & Gholamreza Azimi Rawiz (2024). Rereading the Father's Position in Moral upbringing with Emphasis on Islamic Teachings. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 17 (3). 153-172. DOI: https://doi.org/10.22034/17.65.151
DOI:	https://doi.org/10.22034/17.65.151
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

أضواء على مكانة الأب في التربية الأخلاقية مع التركيز على التعاليم الإسلامية

فاطمه نادره باريزي^١ / ریحانه شایسته^٢ / غلام رضا عظیمی راویز^٣

١. أستاذة مساعدة في قسم المعارف الإسلامية، جامعة ولي العصر (عج)، رفسنجان، إيران.

fatemenaderi87@yahoo.com

٢. أستاذة مساعدة في قسم الفلسفة والكلام الإسلامي، جامعة ولي العصر (عج)، رفسنجان، إيران (الكاتبة المسؤولة).

r.shayesteh@vru.ac.ir

٣. أستاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية، جامعة العلوم الطبية، رفسنجان، إيران.

azimiraviz95@yahoo.com

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	يجب إعطاء دور الأب والأم الاهتمام العادل في الموضوعات التي تتعلق بدور الوالدين في عملية تربية الطفل، ولا ينبغي إقتصار دور الأب في هذه العملية على تلبية الاحتياجات وتوفير المنافع المادية والاقتصادية، لأن التعاليم الدينية موافقة للدراسات والأبحاث العلمية والتجريبية، اعتبرت مكانة الأب مهمة للغاية وتعد الأب مسؤولاً عن حياة الشخص. قد استفاد البحث من المنهج الوصفي التحليلي مع التركيز على الآيات والروايات الإسلامية، هادفاً وراء إثبات ضرورة أن يلعب الأب دوره في تربية الأطفال الأخلاقية والإشارة إلى المكونات المؤثرة في هذا الصدد. إن أهم السؤال لهذا البحث هو: هل للأب حصة متساوية للأم في التربية الأخلاقية أم لا؟ وهل التربية الأخلاقية الأبوية ضرورية من وجهة نظر الإسلام؟ تظهر نتائج البحث أن ضرورة التربية الأخلاقية الأبوية بجانب دور الأمهات في التربية، لها دلائل عقلية ونقلية في كثير من التعاليم الإسلامية، حيث يمكن للآباء تسهيل هذا النوع من التربية من جانبهم خلال إقامة علاقة عاطفية مناسبة والنمذجة الصحيحة والعقاب والتشجيع الصحيح والإشراف والتأييد الإيجابي وإرشاد ونصح حكيم في الوقت المناسب.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠٣/٢٠	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٥/٢٦	
الألفاظ المفتاحية	التربية، التربية الأخلاقية، تربية الطفل، مكانة الأب، التعاليم الإسلامية.
الاقتباس:	نادره باريزي، فاطمه، ریحانه شایسته و غلام رضا عظیمی راویز (١٤٤٦). أضواء على مكانة الأب في التربية الأخلاقية مع التركيز على التعاليم الإسلامية. مجلة علمية النشرة الأخلاقية. ١٧ (٣). ١٧٢ - ١٥٣.
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/17.65.151
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.



پژوهش‌نامه اخلاق

سال ۱۷، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۶۵

بازخوانی جایگاه پدر در تربیت اخلاقی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

فاطمه نادری پاریزی^۱ / ریحانه شایسته^۲ / غلامرضا عظیمی راویز^۳

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران.

fatemenaderi87@yahoo.com

۲. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول).

r.shayesteh@vru.ac.ir

۳. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی، رفسنجان، ایران.

azimiraviz95@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۱۷۲ - ۱۵۳)</p>  <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸</p>	<p>در بحث‌های مربوط به نقش والدین در فرایند فرزندپروری، باید به نقش پدر و مادر به طور عادلانه توجه کرد و نقش پدر را در این فرایند تنها به برآورده کردن نیازها و تأمین منافع مادی و اقتصادی خلاصه نکرد؛ زیرا آموزه‌های دینی همسو با مطالعات و پژوهش‌های علمی و تجربی جایگاه پدر را بسیار با اهمیت دانسته‌اند و پدر را مسئول زندگی فرد می‌دانند. در این پژوهش با هدف نشان دادن ضرورت نقش‌آفرینی پدران در تربیت اخلاقی فرزندان و مؤلفه‌های اثربخش در این رابطه، از روش توصیفی - تحلیلی با تأکید بر آیات و روایات اسلامی استفاده شده است. این مسئله که آیا پدر در تربیت اخلاقی سهمی معادل مادر دارد یا خیر و اساساً آیا تربیت اخلاقی به واسطه پدران از دیدگاه اسلامی ضرورت دارد مهم‌ترین مسئله پژوهش پیش‌رو است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ضرورت تربیت اخلاقی به واسطه پدران هم‌راستا با نقش تربیتی مادران دارای دلایل عقلی و نقلی بسیاری در آموزه‌های اسلامی است و پدران با ایجاد رابطه عاطفی مناسب، الگودهی صحیح، تنبیه و تشویق درست و بجا، نظارت و تأیید مثبت و راهنمایی و نصیحت مدبرانه و به موقع می‌توانند این نوع تربیت را از جانب خود تسهیل بخشند.</p>
واژگان کلیدی	تربیت، تربیت اخلاقی، فرزندپروری، جایگاه پدر، آموزه‌های اسلامی.
استناد:	نادری پاریزی، فاطمه، ریحانه شایسته و غلامرضا عظیمی راویز (۱۴۰۳). بازخوانی جایگاه پدر در تربیت اخلاقی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی. پژوهش‌نامه اخلاق. ۱۷ (۳). ۱۷۲ - ۱۵۳.
کد DOI:	DOI: https://doi.org/10.22034/17.65.151
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

طرح مسئله

مسئولیت تربیتی پدران در کنار مادران نباید مورد غفلت یا تفسیرهای ناصواب قرار گیرد و بیشتر بر نقش نان‌آوری و تأمین منافع مادی خانواده تأکید شود؛ زیرا این غفلت تا حدود زیادی هم در بینش و نگرش پدران و رفتارهای آنان تأثیر می‌گذارد و هم ممکن است اجتماع آن را دائماً بازتولید کند. با یک نگاه سطحی می‌توان فهمید که در برخی جوامع انسانی، بار مسئولیت تربیت فرزندان بر دوش مادران سنگینی می‌کند و در صورت اشتغال مادران نیز گاهی پدران همچنان خود را از مسئولیت تربیتی فرزندان فارغ می‌دانند.

مطالعات نشان می‌دهد که همان‌گونه که نقش زنانه و مادری کردن را نمی‌توان به دیگران واگذار کرد و فقدان آن خسارات جبران‌ناپذیری را به فرزندان و به تبع آن خانواده و جامعه تحمیل می‌کند، نقش مردانه و پدری کردن هم قابل واگذاری به غیر (حتی مادر) نیست و رشد متعادل فرزندان و بقای جامعه متمدّن، مرهون پدری کردن پدران است. پدران باید علاوه بر اینکه تمام تلاش خود را برای نان‌آوری مصروف می‌کنند، همچون مادران زمان را برای دیدن، همراهی و راهنمایی فرزندان نیز خالی کنند و در تربیت آنان فعالانه عمل کنند (گیلدر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹). در تحقیقاتی که از نقش پدر در خانواده سالم از یک‌سو و در خانواده‌های فروپاشیده از سوی دیگر به عمل آمد، مشخص شد پدر نیز درست به اندازه مادر در زندگی فرزندان خود نقش دارد (رین، ۱۳۸۷: ۳۲). کودکانی که حضور پدر را در زندگی خود به اندازه کافی احساس کرده‌اند در درس‌خواندن و انتخاب‌های شخصی، اعتماد به نفس بیشتری از خود نشان می‌دهند (کارنو، ۱۳۹۵: ۱۱).

تلفیق نقش‌های شغلی و خانوادگی توسط پدران و مشارکت در امر مراقبت از فرزندان، علاوه بر فواید مهم برای فرزندان، به خودارزیابی مثبت، احساس موفقیت، رضایت، خوشحالی و ارزشمندی پدران نیز می‌انجامد (دبلیو، ۱۳۸۸: ۳۰۳). تداوم این ویژگی‌های مثبت روانی می‌تواند همه زوایای زندگی پدر را تحت تأثیر قرار دهد. آثار غیبت پدر و عدم حضور فعال او در فرایند فرزندپروری با اندوه، سردرگمی و انکار نیاز به وجود او، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (دمارنف، ۱۳۸۹: ۱۵۵). دیدگاهی که تحت تأثیر افکار فمینیستی، مادران را کافی و پدران را قابل کنار گذاشتن می‌داند، غافل از آنکه فرزندان تا چه میزان به دنبال مراقبت‌های پدر و آرزومند آن هستند و پدران تا چه حد در اینکه فرزندان چگونه انسان‌هایی خواهند شد، نقش دارند (همان: ۱۵۸). نقش پدران در تربیت فرزندان، خصوصاً در زمانه‌ای که فرزندان به دلیل سیاست‌های کنترل جمعیت و سایر مسائل، غربت و تنهایی بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کنند و همدم و رفیق تنهایی و در بسیاری موارد رهبر فکری‌شان دنیای دیجیتال افسار گسیخته و بی‌رحم است، بسیار بیش از گذشته اهمیت دارد.

گرچه مطالعات زیادی در زمینه تربیت فرزند انجام شده است، اما مطالعه و پژوهش‌های مستقل در زمینه نقش تربیتی بی‌بدیل پدران در فرایند فرزندپروری کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و به‌طور پراکنده در منابع مختلف به آن اشاره شده است. استوارت رین^۱ در کتاب *تأثیر فمینیسم بر فرزندان*، صفحاتی را به اهمیت پدر در خانواده، حقوق پدر و عواقب جدا شدن اجباری فرزندان از پدران پس از طلاق اختصاص داده است. *پدر قهرمان من*، عنوان کتابی است که مگ میکر^۲ به عنوان متخصص کودکان تلاش کرده با اتکاء به روایات واقعی درون روابط فرزندان با والدین، تلنگری به پدران به حاشیه رفته آمریکایی بزند و آنها را متوجه حضور اثربخش و مانگار خود بر تربیت و زندگی فرزندان‌شان کند و راهکارهای عملی فراروی پدرانی قرار دهد که در صدد بهبود رابطه خود با فرزندان‌شان هستند.

پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که از منظر آموزه‌های اسلامی آیا مسئولیت تربیت اخلاقی پدران در قبال تربیت فرزندان، همتای مسئولیت مادران است، یا پدران صرفاً مسئول تأمین نیازهای مادی فرزندان هستند و نقش آنان در تربیت فرزندان تنها جنبه مکملی دارد؟ و در صورت همتایی نقش پدر و مادر چه راهکارهای موثری برای این نقش‌آفرینی می‌تواند وجود داشته باشد؟

الف) مفهوم‌شناسی

۱. تربیت

تربیت در لغت از نظر زبان‌شناسان مصدر باب تفعیل و دارای سه ریشه است؛ اگر از ریشه ربأ، یربوا (= فعل مهموز) باشد به معنای رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۳۰۵)؛ اگر از ریشه ربی، یربی (= فعل ناقص) باشد، به معنای افزودن، پروراندن، برکشیدن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک است (خوری الشرتونی، ۱۴۰۳: ۱ / ۳۸۶) و اگر از ریشه ربّ، یربّ (= فعل مضاعف) باشد به معنای پروریدن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۰۱). از میان این سه معنا غالب زبان‌شناسان تربیت را با ریشه «رب، یرب» تعریف کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۸۴، ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱ / ۴۰۱)؛ اما تربیت در اصطلاح از جمله مفاهیمی است که اکثر اندیشمندان مسلمان در آن اشتراک معنوی دارند. غزالی برای تربیت، معانی مختلفی را ذکر است که رفیعی با کنار هم گذاشتن و جمع‌بندی مطالب چنین تعریفی را از دیگاه غزالی ارائه می‌دهد:

1. Stewart Rein.
2. Meg Meeker.

تربیت عملی است که طی آن مربی رسالت دارد، از طریق اعتدال‌بخشی تدریجی به قوا و تمایلات و رشد و پرورش استعدادهای فطری و زدودن تیرگی‌ها، متربی را برای رسیدن به کمال نفسانی و در نهایت، قرب الهی آماده سازد یا به عبارت دیگر، تربیت کنش و گاه کنش و واکنشی است مهرآمیز، بخردانه، با روندی آهسته و پیوسته و بالنده، از گهواره تا گور که در طی آن کسی که فرهیخته است، رسالت دارد برای نیک‌بختی و روی‌هم‌رفته سود معنوی و مادی کسی دیگر در پی انگیزتن و پروراندن هماهنگ و هم‌سوی همه نهادهای خداآفریده او برآید. این فرآیند، حق و نیاز طبیعی همگان است و اعمال درست آن همراهی با آفرینش آدمی است و در نهایت به سود جمع است (رفیعی، ۱۳۸۱: ۳ / ۹۸).

کریمی تربیت را به فراهم کردن زمینه‌ها و عواملی برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعدادهای انسانی به شکل مطلوب تعریف می‌کند (کریمی، ۱۳۷۸: ۴۹). از منظر شهید مطهری، تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها تا از این راه متربی به حد اعلای کمال برسد (مطهری، ۱۳۸۳: ۴۳).

بر این اساس به‌طور کلی در تعاریف مرتبط به تربیت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی می‌توان تربیت را به فراهم کردن شرایطی برای فعلیت بخشیدن و رشد استعدادهای توانمندی‌های متربی تعریف کرد.

۲. اخلاق

در لغت به معنای جمع خُلق و خُلُق دارای معانی مختلفی مانند خوی، سرشت، طبع، عادت، دین و آیین و مروت به کار برده می‌شود (الفیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۳۳۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۸۶) و خلق به معنای یک صفت نفسانی راسخ است که سبب می‌شود افعالی که متناسب با آن صفت است، بدون فکر کردن و سنجیدن از انسان صادر شود (مصباح، ۱۳۷۷: ۱۰) و در اصطلاح به‌طور کلی به صفات ثابت نفسانی که در رفتار خوب و بد بشر نمود پیدا می‌کند (المیدانی، بی‌تا: ۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱ / ۳۵۴؛ مسکویه، بی‌تا: ۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۴). به این معنا که صفت ثابت (ملکه) و خوب و بد دو عنصر مهم در تعریف اخلاق به شمار می‌روند.

۳. تربیت اخلاقی

مراد از تربیت اخلاقی، چگونگی به‌کارگیری و پرورش استعدادهای و قوای درونی، برای توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی و نیل به فضائل عالی اخلاقی و دوری از رذیلت‌ها و نابود کردن

آنهاست (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰ / ۲۰). تربیت اخلاقی پرورش دادن انسانی است که بتواند در زندگی و احوالات خود به خیر تن دهد و از شر دوری کند. از این تعریف چهار مؤلفه قابل استخراج است که عبارت است از زدایش نفس از بدی (مائه / ۶)، زایش و پرورش روحیه اخلاقی و گرایش به نیکی (بقره / ۱۵۱) ایجاد بصیرت و بینش اخلاقی (جمعه / ۲) ایجاد آمادگی کامل برای پابندی به اخلاق (آل عمران / ۱۱۴؛ یالجن، ۱۳۹۷: ۲۹ - ۲۸) در تعریفی دیگر چنین آمده است: تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی است (امیری، ۱۳۹۴ / ۲۵).

۴. پدر

واژه پدر یک مفهوم آشنا برای افراد است. هدف از بیان معنی این واژه آن است که مشخص شود منظور از واژه پدر در این نوشتار همان پدر حقیقی یعنی پدری که از او فرزندی متولد شده است و گرچه در فرهنگ اسلامی معانی دیگری مانند عمو و جد و یا فرد یا افرادی که تربیت و پرورش معنوی شخص را بر عهده می‌گیرند و یا سرپرست و مربی وی محسوب می‌شوند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۱: ۱ / ۷). برای واژه «أب» عنوان شده است، اما نگارنده، در وهله اول به پدر حقیقی و مسئولیت وی در تربیت اخلاقی اشاره دارد؛ اگر چه به تبع بیان وظایف پدر حقیقی هر فردی که مسئولیت ایفای نقش پدری را به عنوان جنس مذکر بر عهده داشته باشد، باید بتواند خود را تا حدودی به نقش پدر و وظایف آن نزدیک کند. آنچه بعد از تبیین واژه‌های کلیدی در این نوشتار باید به آن اشاره کرد این است که کارکرد اصلی این نوشتار ضمن اثبات ضرورت تربیت اخلاقی توسط پدران حقیقی و تأکید بر نقش مهم آن در این نوع تربیت، به برخی از مولفه‌های تسهیل‌گر امر تربیت اخلاقی اشاره دارد و نتیجه پژوهش بر این مطلب تکیه دارد که پدران مسئولیت خود را فقط تأمین نیازهای مادی فرزندان ندانند و در ابعاد مختلف نقش مؤثر خود را ایفا کنند.

ب) ضرورت مسئولیت‌پذیری تربیت و تربیت اخلاقی در پدران

مهم‌ترین هدفی که در پژوهش حاضر از آن سخن به میان می‌آید، اثبات مسئولیت‌پذیری پدران در امر تربیت اخلاقی است؛ در این راستا ضرورت مربی بودن پدران در همه ابعاد، اثبات می‌کند که پدر، همراه و همتای مادر در تربیت اخلاقی فرزند نیز نقش مؤثر دارد.

باید توجه کرد که همچنان که تربیت اخلاقی یکی از انواع و اقسام تربیت به حساب می‌آید، می‌توان به‌طور کلی اخلاق را به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار تربیت نیز به شمار آورد و بنابراین اثبات ضرورت تربیت می‌تواند به ضرورت تربیت اخلاقی نیز بینجامد.

آیاتی در قرآن وجود دارند که به‌طور صریح به مسئولیت‌پذیری پدران در امر تربیت و تربیت اخلاقی اشاره دارد. یکی از مهم‌ترین آیاتی که در قرآن نشان‌دهنده مسئولیت پدران در مقابل فرزندان است، آیه ۶ سوره تحریم است که خداوند به‌طور صریح می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند نگه دارید.

علامه طباطبایی در تفسیر *المیزان* ذیل این آیه بیان می‌کند که در سندهای مختلفی وجود دارد که پیامبر در تبیین این آیه درباره «اهلیکم» می‌فرماید اهل خود را امر کن بدانچه که خدا امر کرده، و نهی کن از آنچه خدا نهی کرده، اگر اطاعت کردند که تو ایشان را حفظ کرده‌ای و به وظایف عمل نموده‌ای و اگر نافرمانی‌ات کردند خودشان گنه‌کارند و تو آنچه را بر عهده داشته‌ای ادا کرده‌ای (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۱۹ / ۳۴۱).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در ذیل این آیه تأکید می‌کند که نگهداری از خانواده در این آیه به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۴ / ۲۸۶) و حق فرزند تنها این نیست که به تأمین هزینه‌ها و مسکن و تغذیه وی پرداخته شود، بلکه مهم‌تر از اینها تغذیه روح و جان و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است (همان: ۲۸۷). گرچه امر به معروف و نهی از منکر یک دستور عام است، اما این آیه نشان می‌دهد که این مسئولیت درباره زن و فرزند به مراتب بیشتر از دیگران است. مضمون این آیه در روایات متعددی از ائمه نیز ذکر شده است (همان: ۲۹۴).

در تفسیر *نمونه* نیز در ذیل این آیه روایات و احادیث مشهوری از ائمه بیان شده است که مکمل و مؤید آیه بر لزوم تربیت و تربیت اخلاقی توسط پدران است، مانند حدیث جامعی از پیامبر که می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدُهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ إِلَّا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (دیلمی، ۱۳۷۱: ۱۸۴). در قسمتی از این حدیث عنوان شده مرد نگهدارنده خانه است و در مقابل آن مسئول است و زن هم نگهدارنده شوهر و فرزندان است و در برابر آنها مسئول است و این مسئولیت را در کنار هم نسبت به فرزندان عنوان کرده است (همان) و یا از حضرت علی علیه السلام منقول است که «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَأَدِّبُوهُمْ» و منظور این است که خود و خانواده خویش را نیکی بیاموزید و آنها را ادب کنید (همان: ۱۸۶ رساله حقوق، ۳۰).

آیات دیگر همچون آیه ۱۵ سوره زمر: «فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»، آیه ۲۶ سوره طور: «قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ» و همچنین آیاتی مانند آیه ۱۳۲ سوره طه: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»، آیه ۲۱۴ سوره شعرا: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، آیه ۱۷ سوره لقمان: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»، آیه ۵۵ سوره مریم: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ» و آیه ۱۳۲ سوره طه: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» نشان‌دهنده تأکید خداوند بر امر تربیت و مسئولیت پدران در تربیت و به ویژه تربیت اخلاقی است. همچنین روایات زیاد دیگری از ائمه در تشریح و تبیین این آیات وجود دارد که همگی به این نکته اشاره دارند که مسئولیت پدر در مقابل خانواده به اندازه مادر است.

اما آیات زیادی نیز در قرآن وجود دارد که به لزوم و وجوب حفظ حرمت پدر و مادر اشاره دارد، مانند آیه ۲۳ سوره اسرا که می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَيَالُوا الدِّينَ إِحْسَاءً» و همچنین آیه ۸ سوره عنکبوت: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» و آیات دیگر مشابه این آیات. آنچه خداوند در قرآن از فرزندان طلب می‌کند یک دستور اخلاقی در مقابل والدین مانند بقیه دستورات اخلاقی دیگر است و فرد ملزم به رعایت این دستور می‌باشد. این آیات می‌تواند ضرورت تربیت اخلاقی را از دو منظر نشان دهد. اول اینکه باید توجه کرد که امر به یک تکلیف همیشه مصادف با داشتن اختیار در فرد است و اختیار نیز سبب نسبت دادن صفت خوبی و بدی به اعمال است؛ زیرا اگر عمل تابع اجبار باشد، فاعل عمل، فاعل مجبور است و صفت خیر و شر عمل حقیقتاً به فاعل منتسب نیست.

ویژگی اختیار بیان می‌کند که محیط، ژنتیک و عوامل دیگر با بودن ویژگی اختیار نمی‌توانند تعیین‌کننده نهایی ویژگی‌های انسانی باشند. از طرفی زمانی که امر شده به پدر و مادر احترام بگذارید و برای این احترام قید و شرطی هم قائل نشده است، فرد در هر شرایطی باید این عمل را بر خود لازم بداند و به آن مکلف شود و لزوم این احترام حتی تا جایی که پدر و مادر کافر هستند نیز حفظ شده است: «وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» (لقمان / ۱۵)؛ اما با همه توضیحات بیان‌شده باید به دو نکته توجه کرد: اول اینکه احترام به پدر و مادر جزو تکالیف فقهی و اخلاقی فرد محسوب می‌شود و همین مسئله سبب می‌شود که والدین این مسئله را نیز مانند مسائل دیگر تربیتی به فرزندان آموزش دهند، در واقع والدینی که فرزند خود را در مسیر تربیت اخلاقی هدایت نکرده‌اند، فرزند الگوی مناسبی از تربیت اخلاقی را کسب نکرده است، لذا به راحتی نخواهد توانست احترام مورد نظر قرآن را درباره پدر و مادر خود رعایت کند. تصور می‌شود خداوند زمانی که می‌فرماید خود و خانواده خود را از آتش نجات دهید و یکی از مصادیق به آتش افتادن فرزندان، عدم

رعایت حرمت والدین است در واقع دستور می‌دهد که فرزندان خود را در مسیر تربیت اخلاقی قرآن قرار دهید. بنابراین این آیات و آیات مشابه آن مسئولیت تربیتی را در والدین به خصوص پدر بیش از پیش نشان می‌دهد، زیرا الزام به آن نجات‌بخش والدین و فرزندان از آتش است.

همچنان که خداوند در آیه ۳۶ سوره نساء می‌فرماید: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَكَأ تَشْرُكُوا بِهِ شَيْئًا وَيَا أُولِي الدِّينِ إِحْسَانًا»، از بندگانش می‌خواهد او را بپرستند و به او شرک نورزند و در عین حال آنها را به حال خود رها نکرده و هدایت همه انسان‌ها را با ادیان و پیامبران و امامان بر عهده گرفته است تا بتوانند در مسیر عبودیت قرار گیرند؛ در کنار آن از فرزندان می‌خواهد به پدر و مادر خود نیکی کنند و لذا پدر و مادر نیز باید بخشی از تربیت خود را به تربیت اخلاقی اختصاص داده تا فرزندان در مسیر احسان به والدین قرار گیرند. همچنین علاوه بر اینکه آتش جهنم را به سبب تربیت در باب حرمت دروغ، تهمت، آزار و اذیت دیگران و... از فرزندان دور می‌کند، آتش جهنم را به سبب احترام فرزندان به خودشان از آنها نیز دور کند.

پیامبر گرامی اعتقاد دارند که اگر پدری فرزند خود را خوب تربیت کند گناهانش نیز آمرزیده می‌شود^۱ (طبرسی، ۱۳۹۲: ۶ / ۲۲۲) و در مقابل پدری که وظایف خود را به درستی در مقابل فرزندش انجام نداده، حتی ممکن است عاق فرزند خود شود^۲ (حرعاملی، ۱۳۶۷: ۱۵ / ۱۲۳).

دومین منظری که ضرورت حرمت والدین به همراه دارد این است که آموزه‌های اسلامی با ارزش‌گذاری بر جایگاه‌ها و سفارش به تکریم پدران در وهله اول زمینه‌های تمایل به ایفای نقش، احساس مسئولیت در قبال آن و نشاط در انجام هرچه بهتر مسئولیت‌ها را فراهم می‌سازد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲۷). آیاتی که در آنها سفارش به نیکی به پدر و مادر بلافاصله بعد از دعوت به پرستش خدای یگانه ذکر شده، نشان‌دهنده جایگاه رفیع والدین (پدر) نزد خدای متعال است (اسراء / ۲۴ - ۲۳). در روایات نیز جایگاه و منزلت پدر به زیبایی ترسیم شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

حق پدر بر فرزند آن است که او را با نام صدا نزند، جلوتر از او گام برندارد، قبل از وی بر زمین ننشیند و کاری نکند که پدرش را دشنام دهند (مجلسی، ۱۳۷۴: ۷۴ / ۴۵).

امام علی علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید:

حق پدر بر فرزند آن است که پدر را جز در نافرمانی و معصیت خداوند اطاعت نماید (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹).

۱. أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ.

۲. يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَا دِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَلَدَ لَهُمَا مِنَ عُقُوقِهِمَا.

آموزه‌های اسلامی بیان شده نه تنها زمینه تمایل به ایفای نقش پدری را افزایش می‌دهد، بلکه با بیان چگونگی ایفای نقش، کارآمدی‌ها را افزایش می‌دهند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

آنگاه که پسر به سه سالگی رسید به وی گفته شود هفت مرتبه لا اله الا الله بگو. سپس او را آزاد گذارند تا سه سال و هشت ماه و بیست روز را تمام کند. در این زمان به او گفته شود: هفت مرتبه محمد رسول الله بگو. سپس تا چهار سالگی آزادش گذارند. در این زمان به وی گفته شود بر محمد و آل محمد صلوات بفرست. پس تا پنج سالگی آزادش گذارند. در این زمان به او بگویند: راست و چپ کدام است؟ اگر طرف راست و چپ را شناخت او را به سوی قبله گردانند و گویند: سجده کن. پس آزادش گذارند تا شش سالگی را تمام کند. در این زمان نماز بخواند و به رکوع و سجده رود تا آنگاه که هفت سالش تمام شود. در این زمان به او گفته شود: صورت و دست‌هایت را بشوی و با این حال نماز بخوان. زمانی که نه سالگی را تمام کرد وضو و نماز را به وی آموزش دهند، او را به نماز وادارند و بر آن بازخواستش کنند. پس آنگاه که وضو و نماز را یاد گرفت، پدر و مادرش آمرزیده می‌شوند (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۱ / ۴۷۴).

از طرف دیگر برای حسن ایفای نقش لازم است، دیگران زمینه را برای انجام هرچه بهتر مسئولیت‌ها فراهم سازند، با افراد مسئول همراهی کنند و در راه ایفای مسئولیت آنان مانع ایجاد نکنند (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۲۹). برخی آموزه‌های دینی که به لزوم همراهی زن با همسر خود در ایفای نقش سرپرستی خانواده (نساء / ۳۴) (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۰ / ۱۶ - ۱۵) و اطاعت فرزندان از پدر و مادر در ایفای نقش پدری و مادری اشاره می‌کنند (مجلسی، ۱۳۷۴: ۷۴ / ۸۶)، از این جمله‌اند. پدری که تضعیف شده یا توانایی روحی کافی برای اداره خانواده نداشته باشد، موجب ویرانی پایه‌های خانواده خواهد شد. البته اقتدار پدر در خانواده با گونه‌های اقتدار در انواع ریاست‌های اجتماعی متفاوت است. از دیدگاه امام علی علیه السلام اقتدار پدرانه، اقتداری کریمانه است:

عشیره و خانواده خود را اکرام کنید؛ زیرا آنان بال‌های پرواز شمایند. آنان اصل و ریشه‌ای هستند که به ایشان باز می‌گردید و دستانی [قدرتمند]ند که با آنها توانمند می‌شوید (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

در شریعت اسلام، مشارکت مردان در امور داخلی منزل مانند والدگری و انجام امور خانه، یک ارزش مهم اخلاقی است (علاسوند، ۱۳۸۸: ۲۵۸). روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام را در حال کمک کردن به حضرت زهرا علیها السلام مشاهده کردند و فرمودند: «یا علی خدمت مرد در خانه از عبادت هزار سال و هزار حج

و هزار عمره و آزادکردن هزار بنده و انجام هزار غزوه و عیادت هزار بیمار و سیر کردن هزار گرسنه و پوشانیدن هزار برهنه و هزار دینار صدقه دادن به مستمندان و دواندن هزار اسب در راه خدا بالاتر است. علی جان خدمت خانواده را انجام نمی‌دهد، مگر صدیق و شهید و مردی که خداوند اراده کرده به او خیر برساند» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳ / ۴۸). بنابراین می‌توان گفت براساس آموزه‌های اخلاق اسلامی، پدران با انگیزه‌های الهی به انجام وظایف پدری تشویق می‌شوند.

و آخرین نکته این است که قرآن حاوی الگوهای عملی برای زندگی بشر است. داستان‌ها و روایات واقعی عبرت‌آموزی که در قرآن بیان شده، دربردارنده نکاتی سازنده برای زندگی بشر است. در این میان می‌توان به لزوم تربیت و تربیت اخلاقی در قرآن، به واسطه پدران قرآنی اشاره کرد؛ پیامبرانی که تعامل با فرزندان‌شان الگوی مناسب برای تبیین‌های تربیتی می‌باشد؛ به‌طور مثال توصیه‌های حضرت لقمان علیه السلام به پسر خود در سوره لقمان نشان‌دهنده رفتار و منش یک پدر قرآنی در تربیت اخلاقی، فردی و اجتماعی فرزند است و حوزه اخلاق را در ارتباط با خویشتن و دیگران پررنگ می‌کند. یا داستان حضرت نوح علیه السلام که تا آخرین لحظه از فرزند خود دست نکشید و به هدایت وی پرداخت نشان‌دهنده سرسختی و مداومت و دلسوزی یک پدر در تربیت است و یا بیانات حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت نوح علیه السلام و حضرت یعقوب علیه السلام و دیگر پیامبران در انتقال ایمان توحیدی به فرزندان خود (ر. ک: بقره / ۱۳۵ - ۱۳۰ و ابراهیم / ۳۷ - ۳۵) که نشان‌دهنده نقش پدر در مربی‌گری حوزه‌های بنیادین زندگی فرزندان است و رابطه تربیت اخلاقی را در حوزه ارتباط با هستی و خالق نشان می‌دهد. از آنجا که قرآن دستورالعملی جامع برای زندگی انسان است، ارتباطات پیامبران با فرزندان‌شان می‌تواند مؤید ضرورت تربیت پدران برای فرزندان باشد.

ج) راهکارهای اسلام برای نهادهای سازی مسئولیت تربیتی پدران

اسلام برای کارایی هرچه بیشتر مردان در ایفای نقش پدری تدابیری اندیشیده است. مجموعه‌ای از تدابیر دست‌به‌دست هم می‌دهند تا در خدمت کارآمدی نقش‌ها در خانواده، از جمله نقش پدری قرار گیرند. در این میان برای تربیت اخلاقی، راهکارهای موثری وجود دارد که زمینه و بستر تاثیرگذاری پدر بر فرزند را فراهم می‌کند.

۱. ایجاد رابطه عاطفی مناسب

بنای تربیت بر ارتباط و مفاهمه است و ما نمونه آن را در رفتار امام علی علیه السلام با فرزندان خود می‌بینیم. ایشان باب ارتباط با فرزندان خود را حتی در سفر و در حین دوری از آنان قطع نکرده و با آنان ارتباط قلمی داشت (قائمی امیری، ۱۳۸۰: ۲۴۴). ایشان در نامه خود خطاب به امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «و کار

تو مرا به زحمت و مشقت اندازد، چنان که کار خودم مرا در زحمت و مشقت اندازد. پس از این جهت این نامه را به تو نوشتم، در حالتی که پشت گرم به آنم چه زنده بمانم و چه مرگم فرارسد»^۱.

پدرانی که با فرزندان خود رابطه صمیمی، دوستانه و گرم دارند، در حفظ زندگی فرزندان خود از آلوده شدن به رفتارهای بزهکارانه بسیار مؤثرند (رین، ۱۳۸۷: ۷۸). پسران برای مرد شدن باید وقت بیشتری را با پدرانشان بگذرانند؛ وقت بیشتر برای انجام کارهای پسرانه و برای گفت‌وگوهای صمیمانه و غیره؛ حتی خوش‌نیت‌ترین مادران هم نمی‌توانند آنچه را که برای مرد شدن مورد نیاز پسران است به آنها بدهند. وقتی پدر و پسر ساعت‌های طولانی را با هم می‌گذرانند، می‌توان گفت که ماده‌ای تقریباً مانند غذا از بدن پدر به بدن پسر می‌رسد و بدن پسر یاد می‌گیرد که بدن مردانه با چه فرکانسی می‌جنبد. بنابراین اگر پسر بدون اینکه مرد شده باشد بزرگ شود، هیچ‌گاه برای خود، مردان دیگر، همسرش، بچه‌هایش یا به‌طور کلی اجتماع، فرد مفیدی نخواهد بود. از دیدگاه روبرت بلای^۲، دلیل اینکه جامعه رفتار مشکلاتی از قبیل میزان بالای طلاق، اعتیاد به الکل و مواد مخدر، خشونت‌های خانگی، مدرسه‌ای و مواردی از این قبیل شده این است که پسران بزرگ می‌شوند بدون اینکه به اندازه کافی «مرد» شده باشند (کلاین، ۱۳۸۷: ۱۳۴ - ۱۳۲). متأسفانه برخی پدران نه تنها روابط صمیمی با فرزندان خود (خصوصاً پسران) ندارند، بلکه آنها را مورد اذیت و آزار جسمی قرار می‌دهند. مطالعه‌ای در سال ۱۳۷۷ - ۱۳۷۵ نشان داد بیشترین آزارگری و اعمال خشونت علیه کودکان (۶۶/۵ درصد) از سوی مردان (پدران و شوهر مادر) رخ داده است (خاقانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۸). کودکانی که در خانواده‌های خشن رشد می‌کنند و دائماً در معرض سوءرفتار قرار می‌گیرند، هرچند از خشونت متنفر هستند، اما به دلیل اینکه تجربه دیگری از مدل‌های ارتباطی نداشته‌اند، به سرعت رفتار خشونت‌آمیز را می‌آموزند و همین تجربه آنان را برای به‌کارگیری خشونت در مورد فرزندان خویش آماده می‌کند (همان: ۱۶۰) و به این ترتیب رفتارهای خشنی که عوارض کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت بر روی سلامت روانی و رشد جسمانی فرزندان به‌جای می‌گذارند، در خانواده‌ها نهادینه می‌شوند. عدم عشق‌ورزی به کودک و بی‌توجهی به نیازهای عاطفی او باعث آزار عاطفی و روحی شدید او می‌گردد و در نهایت در دوران‌های بعدی زندگی ممکن است کودک به فردی پرخاشگر، عصبی، لجباز، منفی‌نگر، بی‌انضباط و بی‌توجه به ارزش‌های اخلاقی خانواده و اجتماع تبدیل گردد و یا ممکن است کودک در مراحل جوانی رفتارهایی ضداجتماعی و تخریب‌گرایانه از خود بروز دهد. بسیاری از این کودکان در آینده از انواع اختلالات روان‌شناختی مانند افسردگی، اضطراب، ترس، افکار خودکشی‌گرایانه و مانند آن رنج می‌برند و به

۱. فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ مُسْتَظْهِراً بِهٖ إِنْ أَنَا بَقِيْتُ لَكَ أَوْ فَنَيْتُ.

2. Robert Bly.

احتمال بسیار زیاد در آینده با فرزندان خود نیز مشکل خواهند داشت (همان: ۱۷۱). پژوهش محمدخانی در سال (۱۳۷۸) بر روی ۱۵۰۰ دانش‌آموز تهرانی نشان داد که در ۵۰ درصد موارد آزار دختران توسط برادر و در ۴۲ درصد موارد از سوی پدر بوده است و دانش‌آموز آزاردیده نسبت به سایر دانش‌آموزان علاوه بر افت عملکرد تحصیلی از مشکلات اضطراب، افسردگی، اختلالات عاطفی و رفتاری نسبت به سایر کودکانی که تحت چنین شرایطی قرار ندارند بیشتر رنج می‌برد (همان: ۱۷۷). اگر کودکان از توجه دقیق مادران و راهنمایی‌ها و تربیت پدران بهره‌مند نشوند، ممکن است به انسان‌های عاطل و باطل و بی‌فرهنگی تبدیل شوند که به جای خدمت به جامعه، سربار جامعه شوند و جامعه را تهدید کنند. بزرگ کردن بچه‌ها به گونه‌ای که شهروندان مسئول و متعهدی شوند، تلاش بی‌وقفه‌ای از سوی والدین می‌طلبید (گیلدر و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹). از شیوه‌ها و راهکارهای ارتباط موثر با فرزند می‌توان به محبت کردن به فرزندان اشاره کرد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مردی که نسبت به فرزند خود محبت بسیار دارد، مشمول رحمت و عنایت مخصوص خداوند قرار می‌گیرد»^۱ (طبرسی، ۱۳۹۲: ۱ / ۴۷۲). یا رسول خدا بارها در روایات مختلف فرمودند کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنان رؤف و مهربان باشید^۲ (ابن‌فهد حلّی، ۱۴۰۷: ۷۸). عطوفت میان حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) سبب شد که حضرت اسماعیل خود خواهان اجرای حکم الهی توسط پدر شود (صافات / ۱۰۲).

بازی کردن فرزند و پدر نیز در ایجاد رابطه عاطفی مناسب نقش ویژه‌ای دارد. این بازی‌ها با توجه به سن فرزندان می‌تواند تا دوره نوجوانی متفاوت اجرا شود. به‌طور کلی بازی کردن با پدر به کودک اعتماد به نفس می‌دهد تا خود را به چالش کشد و بتواند ریسک‌پذیر باشد. این بازی‌ها در پرورش شخصیت کودکان اهمیت بسیاری دارند (مگ میکرو، ۱۴۰۰: ۹۱). این تنش شاد و انرژی‌ساز، یک پیوند عمیق پدر - فرزندی می‌سازد که پدر می‌تواند از آن برای آموزش کودک و آماده کردن او برای برعهده گرفتن مسئولیت یا تشویق کودک به تلاش دوباره برای پیروزی پس از ناکامی بهره‌برد (فارل، ۱۳۹۹: ۲۸). در سیره تربیتی معصومین (ع) این مهم به‌خوبی نمایان است. پیامبر اکرم (ص) علاوه بر اینکه خود با نوه‌هایشان هم‌بازی می‌شدند و با آنها همراهی و هم‌دلی داشتند، در این زمینه می‌فرمایند: «هرکس کودکی دارد باید با او بازی و کودکی کند»^۳ (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳: ۳ / ۳۱۱). حس نزدیکی کودک به پدر، شرایط مناسبی را برای تربیت، به ویژه تربیت اخلاقی فراهم می‌کند.

۱. إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَرَحُّمُ الرَّجُلَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَاكَ.

۲. أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ.

۳. مَنْ كَانَ لَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ.

۲. الگو و نمونه عملی و عینی برای فرزندان

در آیات متعددی دیده شده که انسان‌ها، عمل خود را به آباء و اجداد خود نسبت می‌دهند (بقره / ۱۷۰ و مائده / ۱۰۱) اگر چه این عمل مغالطه محسوب می‌شود، اما نشان می‌دهد که الگوپذیری در خانواده از نکات مهم تربیت به حساب می‌آید بنابراین مسئولیت یک پدر اقتضا می‌کند که در مرحله عمل، الگوی مناسبی برای مسائل اخلاقی فرزندان باشند و این شیوه‌ای غیرمستقیم برای تعلیم و تربیت است. پدری که با همسرش مهربان نیست، پدری که در مقابل فرزندش دروغ می‌گوید، دیگر نمی‌تواند حتی با آموزش مباحث نتیجه مطلوبی را از فرزند خود داشته باشد. بنابراین یکی از راهکارهای تأثیر تربیت اخلاقی بر فرزند این است که آنچه به عنوان یک مشخصه اخلاقی برای فرزند در نظر گرفته می‌شود، به صورت الگویی عملی در رفتار پدر نمود پیدا کند. به عنوان مثال التزام به عدالت و وفای به عهد از جمله اصول مهم اخلاقی است که پدران باید به فرزندان خود بیاموزند و براساس توصیه معصوم که می‌فرماید: «بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان طور که مایلید فرزندان شما و مردم بین شما به عدل رفتار کنند»^۱ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۱۳ / ۴۸۷) یا می‌فرمایند: «هرگاه به کودکان وعده‌ای داده می‌شود، حتماً به آن وفا کنید» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷: ۷۸)؛ این دو خصلت را با عمل کردن به آنها می‌توان برای فرزندان، درونی ساخت.

۳. استفاده از یک الگوی مناسب و درست تنبیه و تشویق

شیوه تشویق و تنبیه از مهم‌ترین و ظریف‌ترین مباحث در تربیت است که گاهی اجرای اشتباه آن می‌تواند اثر تربیت را به‌طور کلی محو کند. دین اسلام به شدت والدین را از تنبیه بدنی فرزندان نهی کرده است. در همین رابطه حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «پندپذیری انسان عاقل به وسیله ادب و تربیت است و چهارپایان و حیوانات هستند که با زدن تربیت می‌شوند»^۲ و می‌فرمایند: «فرزندت را زن و تنها از او قهر کن و البته مراقب باش قهرت طولانی نشود و هرچه زودتر آشتی کن».^۳

همچنین حضرت می‌فرمایند: «هنگامی که کودک و نوجوانی را به سبب رفتار نابهنجارش نکوهش می‌کنی مراقب باش که بخشی از آن را نادیده انگاری و از تمام جهت مورد اعتراض و توبیخش قرار ندهی تا او احساس نکند طرد شده است؛ زیرا این احساس باعث می‌شود در رفتارش لجاجت و سماجت به خرج دهد» (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۲۰ / ۳۳۳).

۱. اِعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ فِي التُّحْلِ، كَمَا تُحِبُّونَ اَنْ يَّعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ.

۲. اِنْ الْعَاقِلُ يَتَّعِظُ بِالْاَدَبِ، وَ الْبَهَائِمُ لَا تَتَّعِظُ اِلَّا بِالضَّرْبِ.

۳. قَالَ بَعْضُهُمْ: شَكَوْتُ اِلَى اَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنًا لِي، فَقَالَ: لَا تَضْرِبُهُ، وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطْل.

۴. تربیت براساس زمانه خود

حضرت علی علیه السلام به والدین توصیه می‌کند که فرزندان خود را با توجه به زمانه خودشان تربیت کنند^۱ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۶۷). این نگاه سبب می‌شود که پدران و مادران بتوانند مسائل اخلاقی را از مسائلی مانند آداب و رسوم تفکیک کنند و در نتیجه به دلیل عدم خلط آداب و رسوم به اخلاق و تربیت اخلاقی خود آسیب نرسانند. یکی از مهم‌ترین مواضع که به خصوص در دوره نوجوانی بر نوجوان تأثیر منفی دارد و سبب می‌شود که تا حدودی نوجوانان به لجاجت کشیده شوند، تفاوت نسلی است که بین پدر و نوجوان وجود دارد. پدران باید دقت کنند که اگر خط قرمزهای دوران زندگی خود را به دوران زندگی فرزندان منتقل کنند و تمایزی بین اخلاق و اصول اخلاقی که مرتبط به همه زمان‌ها و نسل‌ها است و آداب و رسوم و تربیت هر دوره قائل نشوند و آنها را با هم درآمیزند، در تربیت اخلاقی خود دچار مشکل خواهند شد و فرزندان از آنها و اصول صحیح اخلاقی آنها پیروی نخواهند کرد.

۵. راهنمایی و نصیحت مدیرانه و به موقع

شواهد محکمی مبنی بر اینکه حضور پدر در خانواده و راهنمایی‌های به‌جا و به‌موقع او چقدر در سرنوشت فرزندان مؤثر است، وجود دارد. پژوهشگران آمریکایی دریافتند دخترانی که در زندگی‌شان پدری وجود ندارد، ۵۳ درصد بیشتر از بقیه خودکشی می‌کنند. پسرانی که از نعمت پدر محروم‌اند، ۶۳ درصد بیشتر از بقیه فرار می‌کنند و ۳۷ درصد بیشتر از بقیه به مواد مخدر روی می‌آورند. کودکان بدون پدر، ۲ برابر آنهایی که پدر دارند از مدرسه بیرون انداخته می‌شوند، تقریباً ۲ برابر بقیه مواد مخدر یا الکل مصرف می‌کنند، ۲ برابر بقیه از زندان سر در می‌آورند و ۴ برابر بقیه برای مشکلات احساسی یا رفتاری نیاز به کمک دارند (سیدل، ۱۳۸۹: ۳۹). نبود پدر دارای تأثیراتی فراتر از تأثیراتش بر روی کودک اوست؛ این مسئله می‌تواند جامعه را نیز تحت تأثیر قرار دهد (همان، ۴۰).

سیمون دوبووار^۲ می‌گوید: «تصویری که دختر از خود دارد، یکی از صفاتی است که به او کمک می‌کند تا روابط گرم و دوستانه‌ای با دیگران داشته باشد و این خودانگاری به شرطی است که ارتباط سالمی با پدرش داشته باشد و در این ارتباط با پدر آموخته باشد که چگونه می‌شود هم خود و هم دیگران را دوست داشت و به آنها محبت ورزید؛ اما دخترانی که در خانواده‌هایی بدون حضور و توجه پدر بزرگ می‌شوند، در بزرگسالی و در روابط میان‌فردی خود به مشکلات عدیده‌ای دچار می‌شوند» (رین، ۱۳۸۷: ۳۵).

از منظر آموزه‌های اخلاق اسلامی، جهت دادن فرزندان به سوی خداوند و تعلیم کتاب الهی به آنها و

۱. لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ.

2. Simone de Beauvoir.

آشنا کردن آنها با حلال و حرام و سایر آموزه‌های دین اسلام تأثیر بسزایی در هدایت و پیشگیری از نابسامانی و رفتارهای نابهنجار دارد. امام علی علیه السلام به عنوان یک پدر و الگو، این برنامه هدایتی را در مورد فرزندان خود اجرا کرده و با برهان مستدل و متقن از راهنمایی فرزندان خود دریغ نورزیده است: «پسرم بدان که اگر پروردگارت شریکی داشت، فرستادگانش به سویت می‌آمدند و آثار ملک و پادشاهی او را مشاهده می‌کردی، و افعال و صفاتش را می‌شناختی، اما او خدایی یگانه است، آن‌سان که خود وصف کرده، کسی در قلمرو حکمرانی‌اش بر ضدّ او نباشد، همواره هست و همواره بوده» ^۱ (نهج البلاغه: نامه ۳۱، بند ۱۴) و در جای دیگری فرمودند: «حقّ فرزند بر پدر آن است که نام نیکو برایش بگذارد، او را با ادب و آراسته بار آورد و قرآن را به او بیاموزد» ^۲ (همان: حکمت ۳۹۹).

از منظر امیر المؤمنین علیه السلام هر پدری وظیفه دارد چکیده عمر و حاصل آن را در امر تربیت فرزندانش و در مسیر هدایت آنها به کار گیرد. از این‌رو در نامه خود به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

فرزندم اگرچه عمری طولانی نداشتم که با گذشتگان معاصر باشم، اما در اعمالشان نظر انداختم و در اخبارشان اندیشیدم و نیک و بد آنها را شناختم. برای تو از هر خرمی گلی چیدم و به تو عرضه کردم (همان: نامه ۳۱).

البته حضرت از نقش و تأثیر دعای پدر در امر تربیت و هدایت فرزندان غافل نبوده و در پایان نامه‌اش می‌نویسد: «از خداوند آرزو دارم که موفقیت گرداند تا به رشد بررسی و خط اعتدال را تعقیب کنی» (همان). دغدغه‌مند بودن پدر نسبت به راهنمایی کردن فرزندان، به‌گونه‌ای که علاوه بر در اختیار گذاشتن تجربیات زندگی، دست به دامن استعانت الهی گردد و از خداوند توفیق هدایت فرزندانش را بخواهد، به آنها می‌فهماند که قدم گذاشتن در مسیر هدایت الهی، بهترین مسیر زندگی و تضمین‌کننده سعادت آنهاست.

۶. نظارت همراه با تأیید مثبت

هر نوع تربیتی مخصوصاً تربیت اخلاقی نیاز به نظارت و تأیید دارد. بحث نظارت و تأیید از مهم‌ترین راه‌های ایفای نقش پدری است؛ زیرا آنچه که به هر شکلی آموزش داده شده است، اگر مورد ارزیابی قرار نگیرد، اثری طولانی‌مدت نخواهد داشت. امام صادق علیه السلام در اهمیت نظارت بر رفتار فرزندان می‌فرماید: «نظارت یکی از حقوق فرزندان است» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۶۳).

۱. وَاعْلَمْ يَا بَنِيَّ إِنَّهُ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكَ لَأَتَتْكَ رُسُلُهُ وَلَرَأَيْتَ آثَارَ مُلْكِهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ لَعَرَفْتَ أَعْمَالَهُ وَ صِفَاتِهِ، وَ لَكِنَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ لَا يُضَادُّهُ فِي مُلْكِهِ أَحَدٌ وَ لَا يَزُولُ أَبَدًا.

۲. حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ.

از طرفی همه فرزندان (خواه پسر یا دختر) نیاز دارند که بدانند ارزش ذاتی آنها فارغ از توانایی و قدرت آنها در برخورد با چالش‌ها و اعتماد به نفسشان، برای والدین (خصوصاً پدر) چقدر است؟ رسیدن به این نوع آگاهی از طریق تأیید پدر حاصل می‌شود. معمولاً پدران در تأیید کردن دختران خود بهتر عمل می‌کنند، اما در مورد پسرانشان این‌گونه عمل نمی‌کنند؛ زیرا تصورشان این است که پسران به تأیید نیاز ندارند، در حالی که حقیقت این است که پسرها هم به اندازه دخترها نیاز به تأیید کلامی و رفتاری پدر دارند و ارضاء این نیاز خصوصاً در دوران کودکی تأثیر بسزایی در رشد شخصیت آنها دارد (مگ میکر، ۱۴۰۰: ۱۱۳). در ایالات متحده و کشورهای اسکاندیناوی درباره پسرانی که دچار مشکلاتی بودند، بررسی‌هایی صورت گرفت. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که نیاز به وجود پدر و دریافت تأیید از سوی او در دو سال نخست زندگی پسران، مطلق است. بنا به نوشته یکی از محققان در این زمینه: «پسران مورد مطالعه، اغلب فرزندان سربازانی بوده‌اند که در کودکی از سوی پدر ترک شده‌اند و یا فرزندان ملاحانی که پدرانشان هر سال ۹ ماه از کانون خانواده دور بوده‌اند. رشد این پسران مانند کودکان یتیمی صورت گرفته است که در یتیم‌خانه‌های نامناسب نگهداری می‌شوند و یا مانند پسران خانواده‌های بدون پدر یا بدون مادر» (بادانتر، ۱۳۷۷: ۲۰۱). محقق دیگری در این زمینه چنین می‌نویسد: «پسرانی که دست‌خوش غیبت پدر در آغاز زندگی خود بوده‌اند از لحاظ بسیاری از ابعاد شخصیت خود ضعیف‌تر از پسرانی بوده‌اند که در سن بالاتر، فقدان پدر را تجربه کرده‌اند» (همان).

برخی فرزندان به دلیل فقدان و غیبت پدر، از تأییدهای پدرا نه محروم می‌شوند و آثار زیان‌بخش آن را در زندگی تجربه می‌کنند و برخی دیگر با وجود حضور پدر، عدم تأیید را دریافت می‌کنند. متأسفانه برخی پدران نه تنها فرزندان خود را تأیید نمی‌کنند، بلکه فارغ از توجه به ظرفیت و توانایی‌های فرزندان، با عیب‌جویی و به رخ کشیدن عیب‌های فرزندان و استفاده از الفاظ منفی و مخرب، او را نسبت به انجام کارها دلسرد می‌کنند و موجب ایجاد احساس بی‌عرضگی و ناتوانی در او می‌شوند. امام علی علیه السلام در مذمت عیب‌جویی می‌فرماید: «عیب‌جویی، از زشت‌ترین عیب‌ها و بدترین گناهان است»^۱ (آمدی، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۲۵).

نتیجه

چنانچه بیان شد، نقش پدر در تربیت اخلاقی با توجه به آیات و روایات متعدد غیر قابل انکار است. به‌طور کلی آیات، پدر را مسئول عاقبت فرزندان می‌داند و با توجه به آیات حرمت والدین، لزوم تربیت اخلاقی از طرف پدران به تحلیل‌های مختلف به اثبات می‌رسد. مسئولیت‌پذیری پدران از منظر اسلام همسو با

۱. تَتَّبِعُ الْعُيُوبَ مِنْ أَقْبَحِ الْعُيُوبِ وَ شَرِّ السَّيِّئَاتِ.

تحقیقات روان‌شناسی نشان می‌دهد که پدران نمی‌توانند مسئولیت تربیت خود را به بهانه مسئولیت مالی که بر عهده آنان است به مادران تفویض کنند، زیرا نقش پدری - با عنوان جنسیتی خود - نقش حیاتی در زندگی دختران و پسران دارد و غیبت پدران از این مسئولیت، سبب مشکلات روحی و روانی مختلفی در فرزندان می‌شود.

پدران باید توجه کنند که در امر تربیت به خصوص تربیت اخلاقی باید بستر و زمینه مناسبی را برای ارتباط با فرزند خود فراهم کنند که از جمله آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ایجاد رابطه عاطفی مناسب با فرزند از طرق مختلف، الگو و نمونه بودن پدر برای فرزند، شیوه درست تنبیه و تشویق، تربیت براساس زمانه فرزند، راهنمایی و نصیحت مدبرانه و به موقع و نظارت همراه با تأیید مثبت.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

رساله حقوق امام سجاد (ع).

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی.
۲. ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳). عوالمی اللئالی. قم: مؤسسه سیدالشهداء.
۳. ابن‌فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷). عده الداعی. قم: دار الکتب الاسلامی.
۴. ابن‌مسکویه (بی‌تا). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. قم: انتشارات بیدار.
۵. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دار الکتب الاسلامی.
۷. امیری، دادمحمد (۱۳۹۴). تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

۸. بادانتر، الیزابت (۱۳۷۷). زن و مرد. ترجمه سرور شیوارضوی. تهران: انتشارات داستان.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
۱۰. خاقانی فرد، میترا و همکاران (۱۳۹۴). خشونت خانوادگی علیه زنان و کودکان. تهران: نگارستان اندیشه.
۱۱. خوری‌الشرتونی، سعید (۱۴۰۳). اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد. قم: مکتبة آية الله مرعشی.

۱۲. دبلیو، رابین، جنسیت (۱۳۸۸). *نقش‌های چندگانه، معنای نقش و بهداشت روانی*. ترجمه زهرا جلالی. تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
۱۳. دمارنف، دافنه (۱۳۸۹). *غریزه مادری*. ترجمه آزاده وجدانی. قم: دفتر نشر معارف.
۱۴. دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی (۱۳۸۰). *اخلاق اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.
۱۵. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۱). *ارشاد القلوب*. قم: الشریف الرضی.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دار العلم.
۱۷. رفیعی، بهروز (۱۳۸۱). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت (امام محمد غزالی)*. تهران: سمت.
۱۸. رین، استوارت (۱۳۸۷). *تأثیر فمینیسم بر فرزندان*. ترجمه کتایون رجبی راد. قم: دفتر نشر معارف.
۱۹. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). *هویت و نقش‌های جنسیتی*. تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
۲۰. سیدل، روث و همکاران (۱۳۸۹). *وای وای اروپا، آمریکا*. ترجمه پریسا پورعلمداری و دیگران. قم: دفتر نشر معارف.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: اسماعیلیان.
۲۲. طبرسی، رضی‌الدین الحسن بن الفضل (۱۳۹۲). *مکارم اخلاق*. قم: انتشارات شریف رضی.
۲۳. elasوند، فریا (۱۳۸۸). *نقش‌های جنسیتی*. در محمدرضا زیبایی‌نژاد (به کوشش). *هویت و نقش‌های جنسیتی*. تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
۲۴. فارل، وارن (۱۳۹۹). *افسانه قدرت مردانه*. ترجمه احسان شاه‌قاسمی. تهران: لوگوس.
۲۵. الفیروزآبادی، مجدالدین محمد یعقوب (۱۴۱۲). *القاموس المحیط*. بیروت: دار التراث العربی.
۲۶. قائمی امیری، علی (۱۳۸۰). *خانواده از دیدگاه امام امیر المؤمنین (علیه السلام)*. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۲۷. کارنو، گای (۱۳۹۵). *پدران غایب*. ترجمه فرشید قهرمانی. تهران: بنیاد فرهنگ زندگی.
۲۸. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۸). *تربیت طبیعی در مقابل تربیت عاریه‌ای*. تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان.
۲۹. کلاین، آلن آر (۱۳۸۷). *عریان کردن فمینیسم*. ترجمه طاهره توکلی. قم: دفتر نشر معارف.
۳۰. گیلدر، جرج (۱۳۸۹). *چه کسی گهواره را تکان خواهد داد*. ترجمه سمانه مدنی؛ آزاده وجدانی. قم: دفتر نشر معارف.

۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). *بحار الأنوار*. تهران: اسلامیه.
۳۲. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*. قم: دار الحديث.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: صدرا.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). *تفسیر نمونه*. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *اخلاق در قرآن*. قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب (ع).
۳۶. مگ میک، مارگارت (۱۴۰۰). *پدر قهرمان من*. ترجمه شهرار روحی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۷. المیدانی، عبدالرحمن حسن جنبکه (بی‌تا). *الاخلاق الاسلامیه و اسمها*. الرياض: دار القلم.
۳۸. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
۳۹. یالجن، مقداد (۱۳۹۷). *تربیت اخلاقی در اسلام*. ترجمه. تلخیص و اضافات بهروز رفیعی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی